

مسئله دیوان عدالت اداری: بررسی نقش دیوان عدالت اداری در حفظ حقوق شهروندان و عواید و محدودیت‌های آن

مهدی خدادادی آرپنائی

کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)
khodadadimehdi380@gmail.com

چکیده

از نظر اصطلاحی حقوق شهروندی یا آزادی‌های عمومی و شهروندی مجموعه‌ای از حقوق مدنی سیاسی اجتماعی و اقتصادی است که فرد به عنوان تبعه یک دولت کشور از آن برخوردار است باید توجه داشت آنچه بیش از شناسایی حقوق شهروندی اهمیت دارد ساز و کار حمایت و تضمین این حقوق است. امروزه با توسعه وظایف و مسئولیت‌های قانونی دولت و افزایش میزان نظارت و کنترل و مداخله آن در شئون مختلف جامعه و احتمال انحراف یا سوء استفاده از قدرت قانونی توسط دولت و حمایت از شهروندان در مقابل تعديات دولت از طریق ساز و کارهای نظارتی از جمله نظارت قضایی را ضروری می‌نماید. چون باعث تضمین توسعه و ارتقاء حقوق شهروندی منجر خواهد شد. دیوان عدالت اداری به عنوان یک نهاد قضایی مستقل در برخورد با اقدامات اداری و دولتی نقش مهمی دارد. دیوان عدالت اداری نیز به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور رسیدگی به شکایات تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها یا آیین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها تشکیل گردیده است و گامی موثر در تضمین و حمایت از حقوق شهروندی در روابط دولت و مردم به شمار می‌رود. این مقاله به صورت کتابخانه‌ای با استناد به منابع معتبر علمی تهیه و نگاشته شده است و در پی بررسی نقش دیوان عدالت اداری در حفظ حقوق شهروندان و عواید و محدودیت‌های آن می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: حقوق شهروندی، دیوان عدالت اداری، قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی، قانون دیوان عدالت

۱. مقدمه و بیان مسئله

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تاکید بر حقوق شهروندی به عنوان یکی از اولویت‌های نظام قضایی، سیاسی و اداری کشور شده است. می‌توان گفت که مفهوم حقوق شهروندی به صورت صریح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره نشده است، اما این حقوق در قالب مباحث دیگری همچون حقوق ملت و اصول نوزدهم تا چهل دوم و دیگر اصول قانون اساسی مورد توجه قانونگذار اساسی بوده است. در سالهای اخیر نیز، به خصوص در قوانین فرادستی از جمله در قانون برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، به حقوق شهروندی توجه ویژه‌ای شده است. (۱).

در روابط شهروندان با دولت‌ها، اختلافات اجتناب‌ناپذیرند، نباید آوای ضعیف شهروندی ستم‌دیده در برابر قدرت و فن‌سالاری گم‌شود، و تنها و بی‌یاور در برابر دستگاه پرهیمنه حکومت رها نشود. عدالت اجتماعی نیازمند نظارت قضایی بر اعمال دولت است تا از خودسری و تعدی مأموران دولتی جلوگیری شود و حقوق شهروندان به طور کامل تضمین شود. به همین دلیل، در قانون اساسی، حقوق شهروندی تحت عنوان حقوق ملت مورد تأکید قرار گرفته و در اصل ۱۷۳ قانون اساسی، تأمین این حقوق از طریق تشکیل دیوان عدالت اداری مورد بررسی قرار گرفته است. در رویکرد شهروندمحور، دادگاه‌های اداری و قضات بیشتر به دنبال صیانت از حقوق و آزادی شهروندان هستند و فلسفه وجودی دیوان عدالت اداری حول حمایت از حقوق شهروندی است. این دیوان آراء زیادی طبق اصول قانون اساسی و همچنین به منظور حمایت از حقوق شهروندی صادر کرده است، اما با وجود این، هنوز نقاط ضعف و کاستی‌هایی در مورد عملکرد دیوان وجود دارد. (۲).

دیوان عدالت اداری به عنوان یکی از نهادهای حاکمیتی در برخی از کشورها، مسئول بررسی و حل اختلافات مرتبط با اعمال قوانین و مقررات اداری است. نقش اصلی این دیوان در حفظ حقوق شهروندان و تضمین اجرای عدالت در سیستم اداری کشور مورد نظر است. این دیوان با بررسی شکایات مردم در خصوص تصمیمات و اقدامات اداری و ارائه حکم‌های عادلانه تلاش می‌کند تا از سوءاستفاده و نقض حقوق شهروندان جلوگیری کند. همچنین، با وجود این وظیفه‌ای که دارد، دیوان عدالت اداری با محدودیت‌هایی نیز مواجه است. برخی از این محدودیت‌ها ممکن است شامل مواردی مانند محدودیت‌های قانونی در صلاحیت دآوری، محدودیت در دسترسی به اطلاعات یا حتی محدودیت‌های مالی و اداری باشد که می‌تواند توانایی این دیوان را در ارائه عدالت و حکم خود محدود کند.

۱.۱. شهروند کیست؟

ترجمه فارسی کلمه citizen به "شهروند" است. این واژه به معانی مختلفی از جمله بومی، شهری، اهل شهر و تابع تعریف شده است. شهروند از دو کلمه "شهر" به معنای جامعه انسانی و "وند" به معنای عضو وابسته به این جامعه تشکیل شده است. این واژه در ادبیات حقوقی و سیاسی ایران چندان سابقه ای ندارد و در گذشته به جای آن واژه "رعیت" استفاده می‌شد. پس از تصویب قانون مدنی، مفهوم شهروند بیشتر به عنوان تبعه استفاده می‌شود و کمتر به حقوق جامعه اشاره می‌کند. این موضوعات در ادامه ممکن است همراه با تغییراتی در جامعه و سیاست‌های حکومتی تغییر کنند. (۳).

مفهوم شهروندی همراه با مفهوم فردیت و حقوق فرد در اروپا پدید آمده است از این رو می‌توان کلمه "شهروند" را به "تبعه" ترجمه کرد، اگرچه واژه "شهروند" و "تبعه" بیانگر مفهوم یکسانی یعنی عضو یک کشور بودن هستند. اما معمولاً "تابعیت" جنبه خارجی و بین‌المللی و "شهروند" جنبه داخلی و ملی آن عضویت را در نظر دارد. امروزه شهروندی با تابعیت قرین شده است. (۴).

تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی حقوقی و معنوی که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد (۵). قانون مدنی ایران در مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱، مقررات مربوط به اکتساب و از دست دادن تابعیت و حقوق شهروندی را تنظیم می‌کند. به افرادی که تابعیت ایران را اکتساب می‌کنند، شهروند ایران تلقی می‌شوند. بنابراین، قوانین تعیین کننده وضعیت شهروند بودن را تعیین می‌کند: شهروند، فردی است که به دلیل تولید یا اعطای تابعیت توسط یک کشور و جامعه سیاسی، به آن جامعه سیاسی وابسته است و وفاداری به آن دارد. شهروند حقوق مدنی کامل و حمایت قانونی را دریافت می‌کند.

۲.۱. مفهوم حقوق شهروندی

"شهروندی" در کلیت خود یک نوع تعامل اجتماعی و توافق مشترک است که به عنوان یک قرارداد متقابل بین افراد و دولت و همچنین یک سلسله حقوق و تعهدات متقابل میان آن‌ها، همچنین یک احساس مشترک درباره هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده معین تعریف می‌شود. (۶).

پس حقوق شهروندی می‌تواند به عنوان بخشی از حقوق اساسی محسوب شود که از حقوق بشری و اخلاقی متمایز است و معمولاً به صورت منطقه‌ای یا ملی تعریف می‌شود. (۷).

در نظام شهروندی، شخص حقوقی مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها را پذیرفته و در عوض معامله کرده است. از طرفی، توازن میان حقوق و مسئولیت‌های شهروندان وظیفه حاکمیت است. بنابراین، حقوق شهروندی جزء مسائل حقوق بشری است و دولت موظف به رعایت و حمایت از آن در برابر شهروندان است. پشتیبانی جدی از حقوق شهروندی، نه تنها رضایت شهروندان را افزایش می‌دهد، بلکه از استحکام حکومت نیز حمایت می‌کند. لذا حقوق شهروندی وقتی مطرح می‌شود که حقوق بشر در داخل یک جامعه مدنی تحت حاکمیت یک حکومت مشخص قرار گرفته و صرفاً به رابطه بین فرد و دولت مربوط می‌شود. (۷). چیزی که آن را از دیگر حقوق بشر جدا می‌کند سرزمینی بودن آن است اما حقوق بشر، صرف نظر از ویژگی‌های زمانی و مکانی و نژادی برای همه و در همه جا است. از نظر اصطلاحی، حقوق شهروندی شامل حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که فرد به عنوان تابع یک دولت یا کشور از آن برخوردار می‌شود. این حقوق بیشتر به حقوق مشارکت شهروندان در امور کشوری نگاه می‌کند و ابعاد متنوعی دارد. برای برخی لیبرال‌ها و اندیشمندان مانند جان رالز، حقوق شهروندی با حقوق فطری هر فرد مرتبط است. از سوی دیگر، جامعه‌گرایان آنرا مرتبط با عضویت فرد در جامعه‌ای خاص وابسته به نظام لیبرال توصیف می‌کنند و آن را به عنوان حق وظایف فردی می‌بینند. (۱).

۲. تاریخچه دیوان عدالت اداری

دیوان عدالت اداری یکی از مهم‌ترین مؤسسات حقوقی در بسیاری از کشورها است که وظیفه حل و فصل اختلافات مربوط به ادارات و نهادهای دولتی را بر عهده دارد. این نهاد به منظور تضمین اجرای عدالت در امور مربوط به ادارات عمومی تأسیس شده است. تاریخچه دیوان عدالت اداری به دوران باستان بازمی‌گردد. در بسیاری از تمدن‌های باستانی، شاهان یا حکومت‌ها داور مستقلی را برای حل و فصل اختلافاتی که بین ادارات و مردم وجود داشت، می‌نمودند. اما در شکل مدرن‌تر، دیوان عدالت اداری به‌طور رسمی در اوایل قرن بیستم در بسیاری از کشورها تأسیس شد.

از این پس، امکان دسترسی به دیوان عدالت اداری، به عنوان یک موقعیت برای شکایت از اعمال نادرست دولت و نهادها و ارائه حقوق و عدالت به شهروندان، فراهم شد. امروزه دیوان عدالت اداری در بسیاری از کشورها وجود دارد و نقش بسیار مهمی در ارتقای اداره عدالت و حقوق شهروندان بازی می‌کند.

۱،۲. فلسفه تاسیس دیوان عدالت اداری

با گسترش وظایف و مسئولیت‌های قانونی دولت و افزایش نظارت و کنترل و مداخله آن در مختلف حوزه‌های جامعه، حجم روابط و ارتباطات واحدهای دولتی با مردم و همچنین بروز دعاوی و اختلافات آنها افزایش می‌یابد. با این وضع، احتمال انحراف یا سوء استفاده از قدرت قانونی در این قوه به مراتب از دو قوه دیگر بیشتر می‌شود. زیرا این قدرت ممکن است در اجرای وظایف قانونی خود از مسیر قانون منحرف شود و با تصویب وضعیت‌های مغایر با مقررات قانونی، به حقوق قوه مقننه تجاوز کند و اصول بی‌طرفی را در قضاوت در دعاوی علیه خود نادیده بگیرد. این امر می‌تواند منجر به نقض حقوق شهروندی و ناراضی‌تبی مردم شود. (۱).

در تنظیم مناسبات دولت - شهروند نمی‌توان برآوردن حقوق افراد را به حسن نیت حکومت حواله داد. بنابراین حق دستیابی به دادرسی اداری را باید همچون ابزاری برای دستیابی شهروند به دیگر حقوق خویش در نظر گرفت. به دیگر سخن دسترسی به دادگستری اداری مقدمه واجب برآورده شدن حق دادخواهی است.

تأسیس دیوان عدالت اداری به عنوان یک مرجع عالی قضایی برای رسیدگی به شکایات افراد از عملکرد دولت به موجب قانون اساسی، نشانگر درجه اهمیتی است که قانونگذار به صیانت حقوق فردی شهروندان و تضمین تشکیلات دستگاه اداری کشور قائل گردیده است و گام مهمی در جهت اصلاح دستگاه اداری کشور و منشأ انقلابی بزرگ و اساسی در ساختار آن است (۱). رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره های ۳۹،۳۸،۳۷ در تاریخ ۱۰/۷/۶۸ مؤید این نظریه است که دیوان عدالت اداری تنها مرجع تظلم خواهی مردم شهروندان است و هدف اصلی از تاسیس این دیوان تضمین حقوق شهروندان در برابر تعديت دولت است در این آراء دیوان عدالت اداری می گوید:

نظر به اینکه در اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منظور از تأسیس دیوان عدالت اداری رسیدگی به شکایات تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین با واحدهای دولتی تصریح گردیده و با توجه به معنی لغوی و عرفی کلمه مردم واحد های دولتی از شمول مردم خارج و به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی اطلاق می شود. طبق این نظریه روشن شد که خواهان یا شاکی در دیوان عدالت اداری مردم اند؛ یعنی (اشخاص حقیقی) و (اشخاص حقوقی) حقوق خصوصی که این موارد نقش مهم دیوان عدالت اداری را در تضمین و حمایت از حقوق شهروندی را به خوبی نشان می دهد. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در هفتم اردیبهشت ۱۳۳۹ قانونی تحت عنوان قانون راجع به شورای دولتی مشتمل بر ۳۲ ماده و ۳ تبصره به تصویب کمیسیون مشترک مجلس وقت رسید که هیچگاه به مرحله اجرا در نیامد. با پیروزی انقلاب، با رویکرد ایجاد نظام اداری صحیح و محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی، نهادی نوین در اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی پایه گذاری شد که با تصویب نخستین قانون آن مشتمل بر ۲۵ ماده و ۹ تبصره توسط مجلس شورای اسلامی در چهارم بهمن ماه ۱۳۶۰، از مهرماه سال بعد، این نهاد فعالیت خود را آغاز نمود. بعدها قانون دیوان عدالت اداری چندین بار از سوی مجلس شورای اسلامی مورد تفسیر و اصلاح قرار گرفت تا سرانجام در نهم خرداد سال ۱۳۸۵، قانون جدید دیوان به تصویب مجلس رسید که البته با توجه به ایراداتی که شورای محترم نگهبان بر برخی از موارد این قانون وارد دانسته بود، راهی مجمع تشخیص مصلحت نظام شد. مجمع در تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۸۵ با جایگزینی ماده ۱۳ و بند ۱ ماده ۱۹، قانون دیوان را موافق با مصلحت نظام تشخیص داد و بدین ترتیب دومین قانون دیوان به مرحله اجرا درآمد.

به موجب ماده ۴۸ این قانون قوه قضاییه موظف شده بود که ظرف شش ماه لایحه آیین دادرسی دیوان را تهیه و از طریق دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید. اما از تقویم لایحه مزبور و اصلاحات بعدی آن در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی منتهی به تصویب لایحه تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۹۰ شد که با توجه به ایرادات شورای محترم نگهبان و اصرار مجلس بر مصوبه قبلی خود، نهایتاً مجمع تشخیص مصلحت نظام این مصوبه را با اصلاح مواد ۱۰، ۱۲، ۹۰، ۹۴ در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۹۲ موافق با مصلحت نظام تشخیص داد (۹).

۳. آنالیز حقوق شهروندان

جمهوری اسلامی ایران، مکتب اسلامی را بر مبنای قوانین و مقررات اسلامی قرار داده است. رعایت حقوق شهروندی، به جز از رضایت الهی، منجر به رضایت شهروندان و تقویت نظام مردم سالاری دینی می شود. خداوند در تضمین حمایت از حقوق انسان ها چنین وعده داده است: "و لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط" (سوره حدید آیه ۲۰). ایجاد عدالت و اقامه قسط در جامعه، حق هر شهروند است. (۱۰).

۱.۳. نظارت دیوان عدالت اداری

در حقوق ایران، نظارت قضایی بر اداره از سه طریق صورت می پذیرد که دو مورد آن به صورت استثنایی از طریق قضات دادگاه ها و سازمان بازرسی کل کشور و یک مورد آن به صورت اقامه دعوا و خاص از طریق دیوان عدالت اداری انجام می پذیرد (۱۱). از این رو، بخش از نظارت قضایی پسینی و جبران کننده که در حیطه وظایف دیوان عدالت اداری است بایستی از ساز و کارهای منطقی و کاربردی برخوردار باشد تا بتواند با حداقل به «حاکمیت قانون» و «تضمین عدالت» نزدیک شود. طبق اصل ۱۷۰ قانون اساسی قضات دادگاهها از اجرای مقررات مغایر با موازین اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه خودداری میکنند و هر شهروندی حتی دینفع نباشد حق دارد که از دیوان عدالت اداری ابطال این گونه مقررات را تقاضا نماید.

با توجه به اصل ۱۷۳ قانون اساسی، شهروندان می‌توانند نسبت به مأموران یا واحدها و یا آیین‌نامه‌های دولتی برای احقاق حقوق خودشان شکایت یا تظلم خواهی نمایند یا اعتراض کنند. این امر طبق مواد ۳۰ و ۵۴ و ۵۵ قانون جاری، تحت نظر دیوان دادرسی در آن به روش عادی و با درخواست شهروندان رخ می‌دهد. از مدلول قانونی در این باره دقت می‌شود که بین واژگان شکایت، تظلم و اعتراض و تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی و مراجع شبه قضایی اداری مورد نظر ماده ۱۰ قانون جاری، نوعی ترتب حقوقی وجود دارد و دادرسی در آن به طور مستقل، تفتیشی، غیرعلنی و بدون حضور طرفین دعوا صورت می‌گیرد. (۱۰).

۲.۳. توسعه حمایت از حقوق شهروندی در دیوان عدالت اداری

به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی، هر فرد می‌تواند از دیوان عدالت اداری بخواهد که مقررات یا تصمیمات دولتی خلاف قانون را ابطال کند. عبارت "هر کس" که در این اصل به کار رفته است، همه افراد جامعه، حتی افرادی که فاقد تابعیت ایران هستند، را شامل می‌شود. گسترش حق دادخواهی به غیر از شهروندان ایرانی، ناشی از اصل سی و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که می‌گوید: "دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید." بنابراین، همه افراد ملت، این حق را دارند که به این دادگاه‌ها مراجعه کنند و حتی نمی‌توان از هیچکس، مراجعه به دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد. در این زمینه، همه شهروندان، حتی خارجیان، حقوق متساوی با شهروندان ایرانی دارند. (۱).

بدین ترتیب حق دادخواهی در دیوان عدالت اداری را نمی‌توان مختص شهروندان ایرانی دانست و باید گفت قانونگذار با استفاده از لفظ هر کس سعی داشته تا به توسعه حقوق شهروندی به غیر از اتباع بپردازد.

۳.۳. تاثیر نظارت دیوان عدالت اداری بر حقوق شهروندی

از مهم‌ترین موضوعات هر جامعه، حقوق شهروندی است. این حقوق باید توسط هر دولتی در ابعاد مختلف حمایت و تضمین شود تا میزان جرائم کاهش یابد، نظم و امنیت اجتماعی تثبیت گردد و اعتماد عمومی به حکومت بالا رود. برای ایجاد توازن بین اعمال دولت‌ها و حقوق شهروندان، باید نهادهایی تأسیس شود. یکی از راه‌های الزام دستگاه‌های اداری به اعمال حاکمیت قانون این است که شهروندان برای احقاق حق خود به مراجع مستقل و بی‌طرف رجوع کنند، در صورتی که دستگاه‌های اداری به تکالیف قانونی خود عمل نکنند. همچنین می‌توانند با ابطال تصمیمات خلاف قانون یا ملزم کردن مراجع اداری به انجام وظایف قانونی به حق خود دست یابند و در صورت وارد شدن زبانی به آنها، جبران آن را در خواست کنند. (۱۲). یکی از موسسات مستقلی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده، دیوان عدالت اداری است. این دیوان از سال ۱۳۶۰ تاکنون بسیاری از رأی‌ها را در حمایت از حقوق شهروندی و نظارت بر عملکرد دولت صادر کرده است. ماده ۱۱ قانون فعلی دیوان عدالت اداری، تأکید کرده است که حقوق افراد را از زاویه نظارت قضایی حفظ می‌کند. این دادگاه نه تنها ماهیت و تأثیر تصمیمات اداری را بررسی می‌کند، بلکه به مطالعه و تجزیه و تحلیل آنها اختصاص می‌دهد. به دلیل اینکه هدف اساسی قانون اساسی و قوانین عادی، تضمین حقوق انسانی است، عملکردهای اداری باید به همین هدف رسیدگی کنند. اگر این عملکردها با استانداردهای بین‌المللی و اصول کلی حقوق قانون اساسی و قوانین عادی و تصمیمات مجمع تشخیص نظام همخوانی نداشته باشند، هر شهروندی می‌تواند درخواست بررسی و ابطال آنها را در دیوان عدالت اداری داشته باشد. اگرچه کلیت اعمال اداری در اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی و مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری ذکر شده است، اما اینکه دیوان بر اساس کدام معیاری باید تشخیص دهد که این اعمال باعث تضییع حقوق فرد شده است، در هیچ قانون یا مقرره‌ای ذکر نشده است. برای تعیین این معیار، باید با اصول مسلم حقوق بشری ارزیابی و هم‌هنگی صورت گیرد. یکی از این اصول، اصل برابری و عدم تبعیض بین اشخاص است. همه شهروندان، بدون توجه به ویژگی‌های فردی خود نظیر نژاد، جنسیت، مذهب یا طبقه اجتماعی، باید زیر نظر یک نظام حقوقی مشترک قرار بگیرند. «(۱۳). در حقوق اداری ایران، اصول ۱۹ و ۲۰ فصل سوم از منابع حقوق داخلی به عنوان اصل برابری شناخته می‌شوند. رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به عنوان مبنای صدور آرای ابطالی استفاده می‌شود. طبق ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، در تمام مراحل دادرسی، رعایت

حقوق شهروندی مورد نظر قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی از سوی مقامات قضایی و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند الزامی است. اما ارزیابی نشان می‌دهد که تعداد دعاوی ورودی به دیوان هر سال به طرز چشمگیری افزایش یافته و بیشترین افزایش مربوط به شاکیان و دعاوی اداری علیه دستگاه‌های دولتی است. این مسئله نشان‌دهنده این است که دستگاه‌های دولتی به طور چشمگیری از تضمین حقوق شهروندان و حاکمیت قانون دوری کرده‌اند.

۴,۳ مصادیق حمایت از حقوق شهروندی در آراء دیوان عدالت اداری

در حقوق شهروندی، مفهوم دسترسی به دادگاه‌ها و دیوان عدالت اداری بسیار مهم است. در قانون برخی کشورها، به ویژه کشورهایی که نظام حقوقی آنها بر پایه حقوقی است، حمایت از حقوق شهروندی از جمله وظایف اصلی دیوان عدالت اداری است. مصادیق حمایت از حقوق شهروندی در آراء دیوان عدالت اداری می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

۱. حفاظت از حقوق و آزادی‌های شهروندی: دیوان عدالت اداری معمولاً موظف است که در مواجهه با اقدامات دولت یا سازمان‌های دولتی که حقوق و آزادی‌های شهروندان را نقض می‌کند، اقدام به حفاظت از این حقوق کند. این موضوع شامل مسائل مختلفی از جمله حقوق مالکیت، آزادی‌های فردی، حق بهره‌مندی از خدمات عمومی و موارد مشابه می‌شود.

۲. تضمین تعامل مدنی: این مورد به معنای حمایت از حق شهروندان برای شرکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی و اجتماعی است. این شامل دسترسی به اطلاعات، شرکت در انتخابات و فرآیندهای دیگر تصمیم‌گیری عمومی می‌شود.

۳. تأمین تعادل بین قدرت‌ها: دیوان عدالت اداری نقش مهمی در تضمین تعادل بین قدرت‌ها و جلوگیری از سوء استفاده از قدرت‌های اجرایی دارد. این مسئله می‌تواند شامل بررسی اعمال اجرایی و قضائی دولت و نهادهای دیگر باشد تا از تعارض قدرت جلوگیری شود. بررسی این مصادیق و تضمین حقوق شهروندی در آراء دیوان عدالت اداری، به موجب قوانین مختلف کشورها متفاوت است و بستگی به نظام حقوقی مربوطه دارد.

۱,۴,۳. توجه به لزوم رعایت اصل عطف بماسبق نشدن قوانین و مقررات

اصل (عطف بماسبق نشدن) قوانین و تصمیمات اداری در حقوق اداری و لزوم احترام به آن از سوی مقامات اداری یکی از موضوعات مهم و شایع در فرآیند اتخاذ تصمیمات اداری است. این اصل یکی از اصول مسلم حقوقی و از مهمترین حقوق شهروندی به شمار می‌رود که لزوم رعایت آن همواره مورد توجه دیوان عدالت اداری بوده است که در اینجا به ذکر برخی از آراء صادره توسط دیوان عدالت اداری خواهیم پرداخت:

رأی شماره ۸۴۳ هیات عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال مصوبه سید و هفتاد و سومین شورای جلسه مورخ ۲۷/۱۰/۱۳۸۸ شورای مدیران حوزه معاونت آموزشی وزارت علوم تحقیقات و فناوری موضوع نامه شماره ۱۸۱ / ۵/۲ / ۱۳۸۸ / ۴ / ۱۲ / ۱۳۸۸ معاونت آموزشی وزارت علوم تحقیقات و فناوری و همچنین ابطال بخشنامه شماره ۳ / ۱۳۸۸ - ۸۱۹۴۲ / ۰۲ / ۱۸ معاون آموزشی و سنجش دانشگاه پیام نور:

نظر به این که در بند الف ذیل ردیف ۳ دفترچه راهنمای پذیرش دانش پذیر دوره های فراگیر کارشناسی نوبت هجدهم دانشگاه پیام نور در سال ۱۳۸۶ از جمله ضوابط پذیرش و ثبت نام اشخاص در دوره مذکور داشتن دیپلم رسمی متوسطه نظام قدیم یا جدید با مدرک پیش دانشگاهی نظام جدید ذکر شده است و بر همین اساس اشخاصی که دارای مدرک پیش دانشگاهی نظام جدید نبوده اند به اعتبار داشتن دیپلم رسمی متوسطه نظام قدیم یا نظام جدید در این دوره ها پذیرفته شده اند و با صرف وقت و هزینه در اجرای ضوابط ابلاغ شده به تحصیل علم پرداخته اند مقررات و ضوابط مورد اعتراض که در سال ۱۳۸۸ و دو سال پس از جذب دانشجو بر اساس ضوابط سال ۱۳۸۶ وضع شده و متضمن الزام به طی دوره پیش دانشگاهی یا گذراندن تعدادی از واحدهای درسی است که در زمان پذیرش دانشجویان فاقد مدرک پیش دانشگاهی در سال ۱۳۸۶ به عنوان ضابطه جذب تلقی نشده است با اخذ وحدت ملاک از ماده ۴ قانون مدنی و به لحاظ مغایرت با اصل عطف بماسبق نشدن قوانین و مقررات با استناد به بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می شود(۱).

۲,۴,۳. رعایت اصل برابری شهروندان و منع تبعیض ناروا

دیوان عدالت اداری در یکی از آراء خود دستورالعملی از وزارت آموزش عالی را باطل اعلام مینماید که براساس آن فرزندان اعضاء هیات علمی دانشگاهها از امتیاز ویژه ای در خصوص نقل و انتقال و جابجایی در دانشگاه های کشور برخوردار بوده اند. نکته بسیار قابل تحسین در این رای استناد دیوان به تساوی همه افراد در بهره بری از حقوق و امتیازات و برابری همگان در برابر قانون است.

رای شماره ۹۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری راجع به ابطال مصوبه شماره ۴۲۳۰۹ / ۲۶۲۷۶۵ - ۲۷/۱۲/۱۳۸۸ هیأت وزیران در خصوص ایجاد تسهیلات ویژه برای فرزندان اعضای هیأت علمی رای هیأت عمومی

با توجه به استدلال به کار رفته در رأی شماره ۱۶-۱۳۸۲ / ۰۱ / ۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بند یک مصوبه شماره ۱۳۸۸ / ۱۲ / ۲۷-۴۴۳۰۹ / ۲۶۲۷۲۵ هیات وزیران در خصوص تنفیذ دستورالعمل اجرایی بخشنامه شماره ۸۴۶۴ او - ۱۳۸۸ / ۱۳/۰۵/۱۳۸۸ مربوط به نقل و انتقال فرزندان اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مصوب جلسات شماره (۵۲) و (۵۵) کمیته مطالعه و برنامه ریزی آزمون سراسری از مصادیق تبعیض ناروا مصرح در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشخیص داده میشود و به استناد بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می شود(۱).

۳،۴،۳. حقوق و آزادی های مربوط به شغل

حق اشتغال از حقوق شهروندی است اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تاکید می کند: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. بدین ترتیب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق اشتغال و انتخاب آزادانه شغل به رسمیت شناخته شده است.

رای شماره ۹۰۳ هیأت عمومی دیوان موضوع ابطال اطلاق بخشنامه شماره ۷۱۰ / ۳۴۳۰۱ / ۲۲ - ۲۱/۰۵/۱۳۸۹ مدیرکل امور اداری و تشکیلات وزارت آموزش و پرورش مبنی بر ممنوعیت اشتغال معلولان در حرفه معلمی، نمونه یکی از آراء دیوان عدالت اداری میباشد که به موضوع حمایت از حق اشتغال به عنوان یکی از حقوق شهروندی می پردازد. به موجب رای مذکور با توجه به این که در ماده ۲۲۴ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن با رعایت اصلاحات و الحاقات قانون برنامه پنج ساله پنجم برای دوره برنامه پنجم تنفیذ شده است و در ماده ۴۲ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۵/۰۸/۱۳۸۴ بر اجرای قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۶/۰۲/۱۳۸۳ مبنی بر تکلیف دولت به لحاظ کردن ۳ درصد سهمیه استخدامی برای معلولان تاکید شده است بنابراین اطلاق بخشنامه مورد اعتراض در حدی که برای استخدام معلولانی که مطابق بند ۴۲ ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری توانایی انجام کاری که بابت آن استخدام می شوند را دارند، ایجاد مانع کرده است و معلولیت آنها تاثیری در ایفای حرفه معلمی ندارد مغایر قوانین مذکور تشخیص داده می شود و به استناد بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می شود(۱).

تعیین محل خدمت نیز در زمره حقوق مربوط به شغل و نیز آزادی رفت و آمد به شمار میرود. این موضوع مورد توجه دیوان عدالت اداری در تضمین و حمایت از این حق به عنوان یکی از حقوق شهروندی نیز بوده و در آراء خود به صورت عملی بدان پرداخته است. رأی شماره ۹۳۷ هیأت عمومی دیوان مقرر می دارد: نظر به این که مطابق بنده ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت مصوب سال ۱۳۷۲، تغییر محل جغرافیایی خدمت از جمله مجازاتهای اداری احصاء شده است. که در پی ارتکاب تخلف توسط کارمند و احراز آن توسط هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری اعمال می شود و حکم مقرر در تبصره ۴ ماده ۴۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶، ناظر بر تعیین محل خدمت و شغل مورد تصدی کارمندان دولت در بدو استخدام است و تغییر بعدی محل خدمت و شغل مورد تصدی کارمند توسط دولت و بدون ارتکاب تخلف اداری و یا رضایت مستخدم برای دستگاه اجرایی مجاز نیست بنابراین بند ۴ تصویب نامه وزیران عضو کارگروه انتقال کارکنان دولت از تهران به شماره ۴۵۰۱۷ / ۹۶۷۸۵ - ۱۳۸۹ / ۰۵ / ۳ و بند ۱۲ تصمیم نمایندگان ویژه رئیس جمهور در

کارگروه انتقال کارکنان دولت به شماره ۱۵۲۰۳۸ ات ۴۵۳۳۶ ن - ۰۷/۰۷/۱۳۸۹ که در آنها انتقال محل خدمت کارکنان از تهران بدون رعایت جهات فوق الذکر مقرر شده است مغایر قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ابطال آنها صادر و اعلام می شود (۱).

۴،۴،۳ آزادی بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات

هیأت عمومی در مخالفت با ایجاد موانع نسبت به آزادی بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات مقرر می دارد: رأی در رأی شماره ۴۳۷-۴۳۸ مقرر می دارد:

الف- نظر به این که در ماده ۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب سال ۱۳۸۸ مقرر شده است که اجبار تهیه کنندگان و اشاعه دهندگان اطلاعات به افشا منابع اطلاعات خود ممنوع است مگر به حکم مقام صالح قضایی و البته این امر نافی مسؤلیت تهیه کنندگان و اشاعه دهندگان اطلاعات نمی باشد اطلاق قسمت اخیر ماده ۳۸ اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات موضوع تصویب نامه شماره ۱۱۹۸۵ ات ۰۴۶۹۵۶-۱۳۹۱ / ۰۱ / ۳۸ هیأت وزیران در الزام به درج منابع اخبار منتشره در خبرگزاری در حدی که شامل درج منابع اطلاعات منتشره باشد خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات هیأت وزیران تشخیص داده می شود و به استناد بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می شود (۱).

۴. چالش های دیوان عدالت اداری برای تضمین حقوق شهروندی

به استناد به ماده ۱۷۳ قانون اساسی و فلسفه وجودی دیوان، یکی دیگر از موارد مطرح شده برای حفظ حقوق شهروندی، رأی گیری دیوان عدالت اداری است. اما با وجود این همه نکات مثبت و تقویتی در این دیوان، هنوز نقصانها و کاستی هایی وجود دارد که جلوگیری از پیشرفت حقوق شهروندی می شود. این نقصانها شامل محدودیت های در امر دادخواهی، تراکم پرونده ها، نقصان های در دادرسی، عدم وجود آیین نامه تصمیم گیری، قوانین محدود کننده صلاحیت دیوان و... هستند. در این جا ما به چند چالش مهم دیوان که برای تضمین حقوق شهروندی روبروست می پردازیم:

۱،۴ کاهش صلاحیت دیوان

دیوان عدالت اداری، به تعبیری دیوان عالی اداری کشور، تنها مرجع عمومی اداری کشور است که به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون عدالت اداری مصوب ۲۵/۱۰/۱۳۸۵، رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه ها، سازمان ها، مؤسسات و شرکت های دولتی، شهرداری ها، تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها و نیز تصمیمات و اقدامات مامورین واحدهای مذکور در امور را بر عهده دارد. پس دیوان تنها مرجع عام است که به دعوی مردم علیه همه نهادها و سازمان های دولتی وابسته به دولت رسیدگی می کند، اما با توجه به قانون سال ۱۳۸۵، دیوان قانون گذار در صدد کاهش صلاحیت دیوان برای رسیدگی به دعوی شهروندان علیه سازمان های دولتی یا وابسته به دولت قرار دارد..

یک موضوع دیگر که مورد نظر در مورد کاهش صلاحیت دیوان قرار دارد این است که طبق تبصره یک ماده ۱۳ قانون دیوان، مسئولیت تصویب خسارت پس از تصدیق دیوان به عهده دادگاه های عمومی است. این مورد مورد انتقاد قرار گرفته است زیرا باعث تأخیر بی مورد در مطالبه حقوق قانونی شهروندان می شود، که با تأخیر در رسیدگی به پرونده ها منجر به طولانی شدن دادرسی و کمبود انگیزه شهروندان برای دنبال کردن حقوق خود می شود. (۲).

در نظام حقوقی ما، رسیدگی به دعوی ناشی از قرارداد اداری در صلاحیت دادگاه های عمومی است و نه دادگاه اداری یا دیوان. این امر نشان از خلاء قانونی دیوان دارد و دادگاه های عمومی حتی در آراء خود از خود سلب صلاحیت کرده اند. بنابراین، در موارد مختلف مربوط به صلاحیت دیوان، باید اصول کلی را در نظر گرفت و توجه داشت که رابطه بین مردم و اداره، یک رابطه نابرابر است و باید اختلافات بین آنها را به طور مستقل از صلاحیت قانونی دیوان در نظر گرفت..

با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون دیوان تصمیمات و آرای دادگاهها و سایر مراجع قضایی، دادگستری و نظامی و دادگاههای انتظامی، دیوان نمی تواند در موارد مشخصی اعم از قضایی و نظامی و نیروهای مسلح دادگستری را قضاوت کند. همچنین طبق تبصره ماده ۱۹ دیوان، رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان قانون اساسی، مجمع

تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی را از حدود صلاحیت دیوان در رسیدگی و ابطال آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی خارج میداند. با این حال، می‌توان از تصمیمات غیر قضایی قوه قضائیه و غیر قانون‌گذاری قوه مقننه در دیوان شکایت کرد. اما با وجود این موارد، نیاز است که برای ارتقاء نظام اداری کشور و تضمین حقوق شهروندی در اداره‌ها، صلاحیت دیوان در حوزه رسیدگی تقویت شود.

۲،۴. محدودیت حق دادخواهی

حق قرار دادخواهی یکی از مهمترین حقوق شهروندی است! این به این معنی است که شهروندان باید بتوانند برای احقاق حقوق خود به دادگاه صلاحیت داری که قانون تعیین کرده، مراجعه کنند. این حق در اصل ۳۴ قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته است. همه افراد ملت حق دارند تا به دادگاه‌های صالح برای دادخواهی مراجعه کنند. هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.

یکی دیگر از محدودیت‌های دادخواهی شهروندان، فقدان شعب استانی دیوان عدالت اداری و دادگاه‌های بدوی و تجدید نظر در شهرستان‌ها و استان‌ها است. (۱۶).

با توجه به اینکه دیوان عدالت اداری در تهران واقع است، این امر باعث مشکلاتی برای شهروندان در دسترسی مستقیم به این نهاد شده است. همچنین حجم بالایی از پرونده‌ها که در سراسر کشور به این نهاد ارسال می‌شود، باعث شده که دیوان در تصمیم‌گیری و رسیدگی به این پرونده‌ها دچار مشکلاتی شود. بنابراین، لازم است مراجع مشابهی در سایر مناطق کشور تشکیل شود تا بهترین حقوق شهروندان تضمین شود.

یکی از راه‌حل‌های ممکن برای کاهش این مشکلات، ایجاد شوراهای حل اختلاف تخصصی در دیوان عدالت اداری است، یا اینکه شاکی را ملزم به ابتدا مراجعه به نهاد یا سازمانی که شکایت دارد کنیم و در صورت عدم حل مسئله، دعوا را از طریق روند اداری فیصله دهیم.

۳،۴. عدم دادرسی فعال و منصفانه

یکی از اصول اساسی دادرسی، انصاف دادرسی است. دادرسی اداری باید زیر حاکمیت حقوق عمومی قرار گیرد، هر چند که مقررات دادرسی اداری ابتدا از آیین دادرسی مدنی الهام گرفته است.

با توجه به ویژگی‌های خاص دعاوی اداری، روش‌های رسیدگی به دعاوی در دادگاه‌ها و نهادهای اداری، صلاحیت شعبه قضایی در کشورهای دارای حکومت حقوقی، به تدریج به سوی یک استقلال نسبی تغییر یافته است. اما همین استقلال نسبی که در اکثر موارد منجر به عدم توجه کافی به حقوق شهروند در برابر اداره گردیده است، امروزه به دلیل حق برخورداری از دادرسی منصفانه، مورد انتقاد فراوان قرار گرفته است. (۱۷).

قانون اساسی ایران دو ساز و کار جداگانه برای اعمال دادرسی مبادرت کرده است. اول اینکه نهادی به عنوان دیوان عدالت اداری با توجه به اصل ۱۷۳ پیش‌بینی شده است. دوم اینکه توسط اصل ۱۷۰ قانون اساسی "قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند" و آیین دادرسی دیوان شکل آیین‌نامه‌ای دارد و به همین لحاظ با استدلال به اینکه آیین دادرسی جز قوانین ارگانیک است و بنابراین نباید به صورت آیین‌نامه باشد تا با اداره مقاومت سیاسی تغییر یابد بلکه به صورت قانون مصوب مجلس باشد با انتقاد پاره‌ای از حقوقدانان مواجه است. (۱۸).

دادرسی منصفانه دارای معیارهای مختلفی است از جمله رسیدگی در وقت مناسب، دسترسی به دادگاه و بی‌طرفی مرجع رسیدگی کننده، تضمین حقوق دفاعی و علنی بودن و تجدید نظر. اما دیوان عدالت اداری به نظر معیارهای این دادرسی فاصله زیادی دارد. موقعیت دیوان در تهران باعث شده که دسترسی مستقیم شهروندان به این نهاد با دشواری ممکن باشد.

رسیدگی در دیوان غیر علنی است و حتی حضور شاکی ضروری نیست که این مسأله با اصول دادرسی منصفانه منافات دارد. همچنین به علت تراکم پرونده‌ها، مهلت رسیدگی در دیوان زمان زیادی می‌گیرد که باعث ناخوشایندی طرف خصوصی (شهروندان) برای احقاق حقتشان می‌شود. باید بررسی کنیم که عوامل موجودی که باعث تندی جریان رسیدگی در دیوان

می‌شوند چیسند. یکی از مهم‌ترین آنها می‌تواند کمبود شعب دیوان و حجم افزایشی شکایات باشد. بنابراین، مواجهه با این امور، بررسی دقیق‌تر و اصلاحات لازم را ایجاد خواهد کرد.

به موجب ماده ۲۲ قانون دیوان، پس از ثبت دادخواست، شخص مشتکی موظف است یک نسخه از دادخواست را به طرف مقابل ابلاغ کرده و ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، به آن پاسخ دهد. غیر علنی بودن دادرسی، یا عدم اجرای تصمیم مرجع رسیدگی کننده می‌تواند حصول نتیجه منصفانه را خدشه‌دار کند. هر چند که دیوان عدالت اداری در آرای خود به دادرسی‌های اداری توجه داشته از جمله دادنامه ۱۰۱ کلاسه پرونده ۶۸/۲۴ تاریخ ۶۸/۱۰/۱۳۶۸ که چنین مقرر دارد: ((۰۰۰ اصل ضرورت و توجه به دلایل و مستندات قانونی و اعتبار آنها در تصمیمات و آراء صادر از طرف مراجع مختلف قضایی و اداری از جمله اصول بدیهی رسیدگی و دادرسی است که مصرحات قانونی عدیده، در هر یک از مواضع مربوط مؤیدان باشد کما اینکه به صراحت ماده ۴۵ بازرسی باید موجه و متکی به دلایل و مدارک معتبر و متقن باشد که عدم مراعات آن از مصادیق بارز عدول از انصاف قواعد آمره بوده و از موجبات نقض آرای حیات‌ها به شمار می‌رود...))

۵. نتیجه گیری

حقوق شهروندی به مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌ها اطلاق می‌شود که دولت مسئول اجرای آن‌ها را برای اتباع خود تضمین می‌کند. یکی از مأموریت‌های دیوان عدالت اداری به عنوان شرح اصل ۱۷۳ قانون اساسی، تضمین و حفاظت از حقوق و منافع شهروندان است. این دیوان به‌طور مرتب رویکردی متمرکز بر شهروند دارد و قاضیان و دادرسانان اداری به دنبال حفاظت از حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌باشند. با توجه به این نگرش، جنبه عمومی دعوا، اهمیت زیادی دارد که افراد از حقوق خود دفاع کنند. بطوریکه وظیفه قاضی این است که در پشتیبانی از طرف ضعیف دعوا که شهروندان هستند، سریع عمل نموده و از روش‌های قانونی برای اجرای حقوق وی اطمینان حاصل کند. وجود دیوان و دادگاه‌های اداری به منظور حمایت و دفاع از حقوق و آزادی افراد است و اساس وجودی آن‌ها به‌طور کلی در تأیید حقوق عمومی مدرن و تا حد زیادی در پشتیبانی از شهروندانی است که در برابر نهادهای پرهیمنه حکومتی به تنهایی قرار دارند. زیرا دولت برخورد کرده و نشان داده است که برای اجرای خواسته‌های خود بدون هرگونه ترس و وحشتی، اقدام خواهد نمود و تجربه نشان داده است که در این مسیر موانع زیادی وجود ندارد. با توجه به فلسفه وجودی، دیوان عدالت اداری یکی از موارد برجسته در تضمین رعایت حقوق شهروندی، مطابق با اصل ۱۷۳ قانون اساسی است. آراء صادرشده توسط دیوان، مانند اصل قانونی بودن ممنوعیت تبعیض و انتظار مشروع، نشان دهنده احترام به حقوق مالکانه شهروندان هستند و بیشتر از اصول دیگر مورد توجه قرار می‌گیرند.

هر چند که عملکرد دیوان به عنوان مهم‌ترین مرجع عمومی اداری در کشور در زمینه حقوق شهروندی گام‌های مثبتی برداشته است، اما در عرصه دادرسی اداری نارسایی‌ها و کاستی‌هایی دارد. از جمله آنها می‌توان به محدودیت امر دادخواهی، تراکم پرونده‌ها و شکایات، و برخی نقایص آیینی ویژه اشاره کرد. مهم‌تر از همه، تاثیر پذیری کمتر از آموزه‌های حقوق عمومی و اداری به نحو روشمند و انعکاس آن در آراء دیوان، کاستن از صلاحیت دیوان و عدم دادرسی منصفانه اشاره کرد. موانعی که دیوان برای تضمین حقوق شهروندی دارد می‌تواند با اصلاح نظام تقنینی عمومی، گسترش صلاحیت دیوان و نهادهای متکفل نظارت قضایی و اداری و غیره قابل رفع اند. بی‌تردید، نظارت قضایی بر اعمال دولت، مهم‌ترین زمینه برای تحقق حقوق شهروندی است؛ اما نظام تضمین و ضمانت اجرا هم باید به گونه‌ای باشد که امکان تخطی و تخلف از آراء و اوامر نظام نظارت را به حداقل ممکن برساند.

۶. منابع

۱. شادمانی، محب‌اله. حقوق شهروندی و نقش دیوان عدالت اداری در ارتقا آن
۲. رمضان پور، رحمان. رنجبر، ابوریحان. زارع، طسوجی، سجاد. نقش دیوان عدالت اداری در ارتقا و گسترش حقوق شهروندی
۳. اسماعیلی، رضا (۱۳۸۰). انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فرهنگ اصفهان، شماره ۲۲.
۴. کامیار، غلامرضا. حقوق شهروندی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۲
۵. آذر داد، لادن، جایگاه شهروندی در مراجع شبه قضایی، تهران، چاپ اول، انتشارات جاودانه، ۱۳۸۹

۶. عاملی، سعید رضا، (۱۳۸۰). تعامل جهانی شدن شهروندی و دین، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸
۷. نیازپور، امیرحسین، (۱۳۸۶)، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری، جلوه ای از حقوق شهروندی، مجله حقوقی، شماره ۵۸.
۸. گرجی، علی اکبر، حاکمیت قانون محدودیت های حق دادخواهی در دیوان عدالت اداری. حقوق اساسی ۱۳۸۷، سال هفتم، شماره ۹، ص ۱۵۳
۹. صمیمی، محمد مهدی. عباسی، عباد الله. آشنایی با تاریخچه دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۶، پژوهشنامه مطالعات راهبردی در علوم انسانی و اسلامی، دوره ۲، شماره ۹
۱۰. حمیدی، علی. آلکجفاف، حسین. راهکار های تقویت نظارت دیوان عدالت اداری و تایید آن بر حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی. سال دهم، شماره ۲. پاییز ۱۴۰۰
۱۱. مشهدی، علی (۱۳۹۵)، قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در نظم کنونی ایران، تهران: انتشارات خرسندی
۱۲. صدر الحفاظی، سید نصر الله (۱۳۷۲)، نظارت قضایی بر اعمال دولت اداری، تهران: نشریه شهریار، چاپ اول
۱۳. ویژه، محمدرضا (۱۳۸۳). مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره ۲
۱۴. شریعت باقری، محمد جواد. مجموع مقالات دیوان عدالت اداری بازخوانی جایگاه صلاحیت و دادرسی قضایی، پژوهشکده تحقیقات و استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶
۱۵. گرجی، علی اکبر. (۱۳۷۷) حاکمیت قانون و محدودیت حق دادخواهی در دیوان عدالت اداری، نشریه حقوق اساسی، شماره ۴
۱۶. یآوری، اسد الله. حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین، نشریه حقوق اساسی، شماره ۳، ۱۳۸۳، ۳
۱۷. امامی، محمد؛ استوار سنگری، کوروش. حقوق اداری، جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹
۱۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران